

۱۳۹۹/۰۹/۱۸

۱۴۰۱/۰۱/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

تبیین نقش الگوهای رویداد بر گرفته از عوامل فرهنگی و طبیعی در شکل‌گیری الگوهای فضایی معماری بومی؛ مطالعه موردی: روستای سرآقاسید

سید محمد مهدی حسینی کیا*، پریسا هاشم پور**، لیلا مدقالچی***، آیدا ملکی****

معماری بومی ایران دارای گسترده‌گی وسیع جغرافیایی و اصول مانایی است که بیش از هر زمان دیگری به تحلیل، بازنگرانی و نقد علمی و منصفانه نیاز دارد؛ خوانشی که زیربنای بهبود فرایندها و روش‌های حفظ این آثار، نحوه‌ی مداخله در آن‌ها، دستیابی به ریشه‌های فرهنگی و گونه‌شناسی معماری این سرزمین باشد. معماری بومی به همان اندازه که متأثر از عوامل طبیعی است؛ از باورهای ذهنی، فرهنگ محلی و رویدادهای فردی و اجتماعی پیروی می‌کند. می‌توان گفت، عوامل فرهنگی روح حاکم بر همه‌ی الگوهای فضایی معماری بومی و الگوهای رویداد واقع در آن‌ها را تشکیل می‌دهد. با این زمینه‌ی فکری است که الگوهای فضایی متأثر از الگوهای رویداد و الگوهای رویداد نیز متأثر از فرهنگ و طبیعت و درنتیجه معماری بومی به متابه‌ی نمود فرهنگی نگریسته می‌شود. این پژوهش، ماحصل بررسی کیفیت تعامل وجود فرهنگی و بستر طبیعی و تأثیر آن‌ها بر رویدادها و درنتیجه معماری بومی روستای سرآقاسید، از توابع شهرستان کوهرنگ استان چهارمحال و بختیاری است.

هدف اصلی این پژوهش کیفی، شناسایی و ترسیم چهارچوبی الگومدار برای تحلیل معماری بومی روستای سرآقاسید است به گونه‌ای که بتواند با بررسی عوامل فرهنگی در بستر طبیعی نمونه‌ی موردمطالعه، الگوهای رویداد و الگوهای فضایی شکل دهنده‌ی آن را شناسایی و رابطه‌ی بین آن‌ها را تبیین کند. مسئله‌ی پژوهش، نحوه ارتباط میان الگوهای فضایی با باور مردمان، ریشه‌های فرهنگی و محدودیت‌های طبیعی، و نیز نحوه بروز آن‌ها در ساختار کالبدی روستاست. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، در بستری از مشاهدات میدانی، بررسی‌های عینی و کروکی‌های تحلیلی و نیز انجام مصاحبه‌ی عمیق باهدف شناسایی الگوهای تشکیل‌دهنده‌ی روستای هدف انجام پذیرفته است و نتایج این تحقیق حاکی از آن است که الگوهای رویداد، نمود عینی عوامل فرهنگی و طبیعی است که در قالب الگوهای فضایی تجلی یافته است.

کلمات کلیدی: معماری بومی، عوامل فرهنگی و طبیعی، الگوی رویداد، الگوی فضایی، روستای سرآقاسید.

* دانشجوی دکتری معماری اسلامی، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

** دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

p.hashempour@tabriziau.ac.ir *** استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

**** استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

معماری بومی از ارکان میراث بومی به شمار می‌رود و «منشور میراث بوم ساخته»، میراث بومی را حاصل سه عامل «کار انسان»، «آفرینش دوران و زمانه» و «استعداد مکان و سرزمین» دانسته و آن را نمود بنیادهای فرهنگی یک جامعه، بیان نحوه رابطه‌ی جوامع با سرزمین خود و نمایش تنوع فرهنگی جوامع در جهان می‌داند. ارزش‌های میراث بوم ساخته شامل تمامی الگوهای رفتاری، سنت‌ها و فضاهای ساخته‌شده‌ی منتج از پاییندی به محیط بر اساس آرمان‌ها و معیارهای ساکنان است (Icomos, 1999). تحلیل معماری بومی و ریشه‌های شکل‌دهنده‌ی آن چون «فرهنگ» و «بوم»، به عنوان شیوه‌ای برای شناخت و حفظ اصول ارزشمند آن، امری ضروری و مهم است.

آنچه مسلم است، در تحلیل سکونتگاه‌های بومی جست‌وجو به دنبال فرمول خاصی که از آن تبعیت شود امکان‌پذیر نیست؛ بلکه بایستی به دنبال الگوها و عواملی بود که ساختار آن‌ها را به وجود می‌آورند. این پژوهش در چهارچوب روشی ساختارمند، پس از ارائه‌ی تعاریف اصلی مبحث معماری بومی و ابعاد فرهنگی و طبیعی نمونه‌ی مورد مطالعه، به رابطه‌ی میان الگوی رویدادها و الگوهای فضایی بر اساس دسته‌بندی‌های فرهنگی-طبیعی در روستای سر آقا سید می‌پردازد. بر این اساس پرسش‌های پژوهش را می‌توان این‌گونه مطرح کرد:

- چه الگوهای رویدادی در معماری بومی این روستا وجود دارد؟
- تأثیر هریک از عوامل فرهنگی و طبیعی بر شکل‌گیری الگوهای رویداد و به تبع آن الگوهای فضایی روستا به چه صورت است؟

پیش‌فرض پژوهش حاضر بیان می‌دارد که در معماری

بومی این روستا، الگوهای فضایی برآمده از الگوهای رویدادی است که ریشه در فرهنگ و باور مردمان دارد و متأثر از عوامل طبیعی است.

ادبیات موضوع

معماری بومی و فرهنگ

تعریف سنتی از فرهنگ به توصیف خصوصیات فرهنگی چون پویایی، سازمان یافتنی و وابسته بودن فرهنگ به نمادها می‌پردازند و تعاریف مدرن به زندگی روزمره و شیوه و مرام زندگی اشاره دارند (بهار، ۱۳۸۶: ۲۶). بسیاری از تعاریفی که به مفهوم فرهنگ اشاره دارند بیش از هر چیز به نمودها و مصادیق فرهنگ اشاره می‌کنند.

توجه به ابعاد فرهنگی معماری از حدود چهار دهه‌ی گذشته شروع شده است و نظریه‌پردازانی مانند راپاپورت بر تأثیر متقابل رفتار (به عنوان یک مقوله‌ی فرهنگی) و Erpi, 1991: 244. در هر نظامی با توجه به زیستگاه‌های طبیعی، منابع، زبان و غیره، فرهنگ خاصی حاکم است (شمس و امینی، ۱۳۸۸: ۸۴). از این رهگذر «شکل بنا، تنها نتیجه‌ی نیروهای طبیعی نبوده، بلکه حاصل مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی در وسیع‌ترین شکل آن است» (راپاپورت، ۱۳۸۸). تنوع در نوع و رود مفاهیم فرهنگ به معماری موجب گردیده تا پژوهشگران به شیوه‌های متفاوتی بین این دو مقوله‌ی مهم ارتباط برقرار نمایند.

آنچه تطابق انسان-طبیعت را ممکن می‌سازد فرهنگ یا به عبارتی نظام ذهنی اوست (عسکری خانقاہ و کمالی، ۱۳۸۷). بایراین شکل و نظام معماری هر منطقه متأثر از محیط فرهنگی آن است (Ozdemir, Ilkay, 2007-Bulut, Yahya et all, 2007-Masat et all, 2007-Baydar, 2004: 19). شناخت معماری از طریق شناخت لایه‌های تأثیرات فرهنگی امکان‌پذیر است (Baydar, 2004: 19).

معماری بومی و طبیعت

معماری وسیله‌ای برای تطابق انسان با طبیعت بدون تغییر ساختار بدن انسان است (Dezuari, 2010: 446). معماری بومی معماری مردم و معماری توسط مردم است، چنانچه مامفرد^۱ می‌گوید: «فرم‌های محلی آن‌ها بی‌هستند که نزدیک‌ترین رابطه را با طبیعت و شرایط واقعی زندگی مردم برقرار می‌کنند ... و نه فقط خاک خاص هر محیط برای ساخت بنا به کار گرفته می‌شود بلکه نوعی شرایط فرهنگی محل خویش را آینه‌وار منعکس می‌کنند» (نور‌محمدی، ۱۳۸۸: ۱۹). از این‌رو، نحوه‌ی پاسخ مناسب به محدودیت‌های محیطی، در نظر گرفتن ارزش‌ها و باورها و مشارکت در ساخت از شاخصه‌های اصلی این نوع معماری است. در این شیوه، معماری نه به دنبال سلطه بر طبیعت که سعی در ایجاد تعادل و آرام گرفتن در دل آن دارد (راپاپورت، ۱۳۸۸: ۲۶).

در معماری بومی انسان برای خود وظیفه یا موقعیتی جهت کنترل طبیعت تصور نمی‌کند و تنها در مقیاس الگوهای رفتاری خود می‌تواند یا باید فضا را تنظیم کند. این امر البته با امکانات مادی وی نیز همخوانی دارد؛ آنچه الکساندر از آن به عنوان «کیفیت زندگی بخش» در معماری بومی نام می‌برد (Alexander, 2002). به تعبیر دیگر، انسان بومی، احتمالاً پس از آنکه کلیت سکونتگاه را بر مبنای هماهنگی با کائنات یا همولوژی خانه-جهان (الیاده، ۱۳۸۸: ۲۲-۳۶) سامان می‌دهد، بیشترین تلاش خود را بر فضاسازی در مقیاس انسان متمرکز می‌کند. عوامل طبیعی اثرگذار بر معماری بومی شامل همه‌ی محدودیت‌های بیرونی مانند اقلیم، نوع پوشش گیاهی، عرض جغرافیایی، پوشش گیاهی منطقه، تابش آفتاب، دسترسی به آب و ... است.

الگوی رویداد

الگو هم شیء است (الگوی فضایی) و هم قاعده‌ای

(الگوی رویداد) که می‌گوید چگونه آن شیء به وجود آمده (الکساندر، ۱۳۸۷: ۱۶۷). منظور از الگوهای رویداد در اینجا تکرار رفتاری است که انجام می‌پذیرد، تقریباً همیشه معطوف به هدف است، حتی اگر به صورت عادت باشد و به‌طور طبیعی در محیط‌های واقعی رخ می‌دهد. در اغلب موارد این رفتارها به شکل جایه‌جایی از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر است.

زندگی تحت تأثیر الگوی رویدادهای انگشت‌شماری است که به کرات پیش می‌آیند و هویت هر فضا از تکرار مستمر آن‌ها در آن مکان حاصل می‌شود. بدین معنا هر الگوی رویداد را نمی‌توان از جایی که در آن اتفاق می‌افتد جدا کرد. اگر بنا یک سیستم ارتباطات فضایی تلقی شود، نمود این سیستم ارتباطی در قالب الگوهای رویداد خواهد بود. شناخت این الگوهای معنی شناخت روابط میان افراد است که در داخل فضاهای اتفاق می‌افتد (معماریان، ۱۳۹۲: ۱۰۷).

فرهنگ به‌عنوان موجودیتی فرآگیر و دانشی نهادینه‌شده است. «گیدنر^۲» در یک دسته‌بندی فرهنگ را مشتمل بر دو نوع ملموس (عینی) و ناملموس (ذهنی) می‌داند (نقوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۹). الگوهای عینی، در شالوده‌های مادی، كالبدی، ملموس و الگوهای ذهنی سطوح درونی و پنهانی زندگی را شامل می‌شود (کروبوی و همکاران، ۱۳۹۴). در هر صورت با توجه به اهمیت رفتار در پژوهش‌های معماری این حوزه نیز می‌تواند از عوامل مؤثر فرهنگی قلمداد شود.

از سوی دیگر طبیعت مهم‌ترین عامل اثرگذار بر فرهنگ است و یک رابطه‌ی وجودی و ذاتی بین آن‌ها برقرار است. فرهنگ در دل طبیعت قرارداد و عوامل طبیعی هم به صورت مستقیم بر الگوهای رویداد اثر می‌گذارند و نیز ابتدا بر فرهنگ و سپس در جایگاه عوامل فرهنگی بر الگوهای رویداد اثرگذارند. بر این

اساس در خصوص نحوه ارتباط عوامل طبیعی و فرهنگی می‌توان گفت فرهنگ‌ها به مثابه‌ی تطابق‌های موازی با محیط‌های طبیعی هستند (قلی پور و فکوهی، ۱۳۹۸: ۱۳۷-۱۵۴)

پیشینه‌ی تحقیق

۱۳۶۰ خورشیدی از موضوعات مورد علاقه‌ی دو سازمان بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و تحقیقات ساختمان و مسکن شد و مهم‌ترین منابع طرح‌های گونه‌شناسی مسکن روستایی توسط این بنیاد به وسیله‌ی شرکت‌های مشاور صورت گرفته است. هدف این دسته که در نوع خود در ایران نو به شمار می‌آمد، بهره‌گیری کاربردی از گونه‌شناسی معماری بود (معماریان و طبرسی ۱۳۹۲: ۱۰۶). به عنوان نمونه تهیه‌ی طرح‌های هادی با رویکرد فضایی که نمونه‌هایی از آن‌ها توسط پژوهشگرانی چون زبردست و مقیسه (۱۳۹۸) با نگاهی بوم‌سناختی یا جغرافیایی، و دسته‌ای دیگر مانند پورافکاری، محمد یارزاده (۱۳۹۲)، خاکپور، شیخ مهدی (۱۳۹۰)، و شوکی و حبیبی (۱۳۹۳) روستا را از منظر جامعه‌سناختی مطالعه کرده و بر الزامات توسعه منطبق با شرایط محیطی، فرهنگی و اجتماعی تأکید کرده‌اند. کروی و بذرافشان (۱۳۹۴)، توسعه‌ی گردشگری و تغییر الگوهای فرهنگی در نواحی روستایی را در پژوهش‌های خود مورد بررسی قرار داده‌اند و پژوهشگرانی چون شریف (۱۳۹۵) در حوزه‌ی مسئله‌یابی و مسئله‌گشایی در فرایند طراحی روستا به تحقیق پرداخته‌اند. علاوه بر این موارد بررسی‌های زرگر و همکارن (۱۳۹۶)، علی‌الحسابی و نگارش (۱۳۸۹) و داریوش (۱۳۹۹) که از نگاهی کالبدی و معمارانه مسائل روستایی را مورد بررسی قرار داده است، روشن می‌دارد که مشارکت مردم در شکل‌گیری خانه‌های روستایی در تمامی مراحل ساخت یک اصل انکارناپذیر است؛ بهنحوی که از انعکاس ذهنیت‌ها در چهارچوب طرح اجرایی تا تأمین مصالح و همکاری در عملیات بنایی وجود داشته است. از این منظر سازمان کالبدی روستا در فرایندی تعاملی با حضور عواملی چون: تمایلات و اهداف جامعه از یکسو و

بهره‌گیری از مصاديق فرهنگی در مطالعات معماري بومی رویکردی است که بسیاری از پژوهشگران از آن بهره می‌برند. آموس راپاپورت^۲ پژوهشگری است که در حوزه‌ی فرهنگ و معماری آثار فراوانی دارد و پایه‌ی فعالیت‌های او بررسی آن دسته از مصاديق معماری است که در گذشته رخداده‌اند. به عقیده‌ی وی در گذشته میزان توجه انسان به نظم محیطی خود بیش از زمان حال بوده است (راپاپورت، ۱۳۸۲). به عنوان نمونه در تحقیقات خود به نام‌های «خاستگاه فرهنگی معماری» و «ابداع معماری» این رابطه‌ی مؤثر و برتر معماری با حوزه‌ی فرهنگ مشهود است. در دسته‌ای دیگر از مقالات مانند «تئوری، فرهنگ و خانه‌سازی»^۳ و «فرهنگ، معماری و طراحی»^۴ فرهنگ را به زیرمجموعه‌های ملموس در روند طراحی‌های معماری تقسیم می‌نماید و بین این مفاهیم و مفاهیم معماری Rapaport, 2000, 2003, 2008). او تمايل به انسان‌شناسی فرهنگی دارد و از طیف گسترده‌ای از مصاديق چه به لحاظ مکانی و چه به لحاظ زمانی استفاده می‌کند (راپاپورت، ۱۳۸۲: ۲۶).

پاول الیور^۵ نیز همانند راپاپورت محور پژوهش‌های خود را معماری بومی و سنتی قرار داده است و حتی در این ارتباط فرهنگ لغتی از معماری بومی نیز جمع‌آوری نموده است. علاوه بر این، وی به دنبال ترسیم اهمیت مقوله‌های فرهنگی در معماری با استفاده از تحقیقات مصادقی است.

در ایران نیز پژوهش‌های معماری بومی از دهه‌ی

روش تحقیق

مطالعه‌ی معماری بومی در این پژوهش در چهارچوب «رویدادهای انسانی» و حوزه‌ی قلمرو ادراکی است، نه تقسیم‌بندی‌های مرسوم بر اساس ابعاد محیطی؛ که این خود نقطه‌ی ورود به نمونی موردمطالعه است. راهبرد اصلی نیز بر اساس مشاهده‌های تعاملی مشارکتی و غیرتعاملی غیرمشارکتی است (گروت، ۱۳۸۸). مصاحبه نه به صورت نمونه‌گیری تصادفی، بلکه با اتخاذ انتخاب هدفمند مشارکت‌کنندگان انجام می‌گیرد. پرسش‌شوندگان از میان ریش‌سفیدان، مطلعان و کسانی که بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری بافت روستا داشته‌اند انتخاب شدن و ارزیابی داده‌های جمع‌آوری شده از طریق مصاحبه‌های عمیق که تا سه ساعت به طول می‌انجامید صورت پذیرفت که بعضاً در خلال آن مردم جهت تدقیق الگوی رویداد به ایفای نقش آن می‌پرداختند و گروه تحقیق کروکی‌های را تهیه می‌نمودند. بر این اساس الگوهای فضایی و رویداد بررسی، ثبت و بر اساس عوامل مؤثر بر آن‌ها دسته‌بندی شد. درنهایت داده‌ها با اتکا به دیدگاه مردمان محلی و آگاه به فرهنگ بومی جمع‌آوری شدند. تحلیل مصاحبه‌های عمیق با هدف شناخت رویدادهای اصلی در شیوه‌های زیست، پی‌ریزی نحوه‌ی ارتباط رویدادها و درنهایت ساختاربندی آن‌ها در قالب جداولی تنظیم گردید. ویژگی مطالعات محیطی انجام شده در موارد زیر خلاصه می‌گردد:

- توصیف رفتار و تجارب ساکنان در دنیای واقعی، مکان‌ها، شرایط، و معانی
- استفاده از این اطلاعات به شکل استقرایی برای کمک به رسیدن به برداشتی جامع و یکپارچه از این تجارب، مکان‌ها، موقعیت‌ها و معانی
- مبنای قرار دادن این برداشت تعمیم‌یافته در حکم سکوی پرش برای شناسایی الگوها
- پذیرش این نکته که طی فرایند پژوهش سور و

نیروهای محیطی (تسهیل‌گر و یا محدودکننده) از سوی دیگر شکل‌گرفته‌اند (علی‌الحسانی و نگارش، ۱۳۸۹: ۳۷).

از دیگر پژوهش‌ها می‌توان به مطالعات گونه‌شناسی یا «نمونه‌شناسی» جغرافی دانان اشاره کرد که توصیف ویژگی‌های یک بنا را شامل می‌شوند. مانند مطالعات درباره‌ی مسکن در روستای کندوان که ویژگی‌های کلی خانه‌های صخره‌ای، نظیر تعداد طبقات، فضاهای بسته چون انباری، طویله و ورودی و طرز قرارگیری اشیاء داخلی موردنرسی قرار گرفته است (همایون، ۱۳۵۶).

در مورد معماری و سکونتگاه‌های بومی نیز می‌توان به رساله‌ی دکتری خانم زهره اویسی کیخا (۱۳۹۲) در خصوص فضاهای باز و بسته و معماری گلین اشاره نمود. مسئله‌ی اساسی این پژوهش‌ها فقدان نگاه الگومدار برای مطالعه‌ی رویدادها و فضاهای تشکیل‌دهنده‌ی معماری بومی است. علاوه بر این عدم مشارکت سازندگان معماری بومی در خصوص نحوه‌ی ارتباط الگوهای رویداد و الگوهای فضایی معماری می‌تواند هر چهارچوب نظری را برای بررسی و تحلیل این معماری فاقد کارایی نماید. از این‌رو جایگاه ویژه‌ی پژوهش حاضر در میان تحقیقات انجام‌شده به سبب بداعت در مطالعه‌ی این معماری از طریق الگوهای رویداد برآمده از عوامل فرهنگی و طبیعی و نیز نحوه‌ی ارتباط و تجلی آن‌ها در معماری بومی روستای موردمطالعه است. در نتیجه تحلیل با ابزار الگو به دلایل ذیل به کار گرفته شد:

- الگوها قدمتی به اندازه‌ی تاریخ بشریت دارند و از حیث زمانی بیش از دیگر ابزارهای تحلیلی مناسب کاربست در تحلیل معماری بومی هستند.

- تحلیل فضایی معماری بومی با نظریه‌های مدرن ممکن است به فهم نادرستی از معماری بومی منجر شود.

- تحلیل الگومدار می‌تواند بستر مناسبی برای گونه‌شناسی معماری بومی باشد.

شوق، مهارت و بصیرت پژوهشگر قوهی محرک اصلی برای همدلی، دقت و جامعیت نسبی یک مطالعه‌ی کیفی است (Van Manen, 2014; Groat & Wang, 2013).

(Creswell, 2007)

روستای سر آقاسید

روستای سر آقاسید با ۱۶۹۸ نفر جمعیت و با ۲۵۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا به لحاظ تقسیمات کشوری از توابع شهرستان کوهرنگ (چهارمحال و بختیاری)، بخش مرکزی و دهستان میانکوهه‌موگوبی است. از نظر موقعیت جغرافیایی در ۴۹ درجه و ۴۶ دقیقه‌ی طول شرقی و ۳۲ درجه و ۴۰ دقیقه‌ی عرضی، در شیب دره کوهنرمه گسترده شده است. بستر آن در اختلاف ارتفاع ۸۱ متری شکل گرفته و شب آن بیش از ۲۳ درصد از شمال به جنوب هست. تنگاهای طبیعی برای تأمین مسکن و عدم قابلیت توسعه و نیز محدودیت‌های فیزیکی عامل اصلی فرم و شکل این دسته از روستاهاست (اویسی کیخا، ۱۳۹۲: ۲۹). در تشخیص هویت این روستا امامزاده سید عیسی نقش بنیادینی ایفا می‌کند (تصویر شماره‌ی ۱) که در متنه‌ی پایین بافت کالبدی استقرار یافته و مردم رو به سوی قله‌ی مسکن گردیدند تا هر سپیده با دیدن امامزاده ادای احترام و تجدید عهد نمایند. این روستا به دلیل صعب‌العبور بودن و محدودیت دسترسی و دور بودن از جاذبه‌های کاذب زندگی شهری و همچنین حس تعلق ساکنین از تغییرات اساسی مصون مانده و هنوز تداوم معماری بومی منطقه از بین نرفته است که این شاید اصلی‌ترین عامل گزینش روستای سر آقاسید برای پژوهش حاضر باشد. زیرا در این روستا به مجموعه و ترکیبی بکر و دست‌خورده‌ای از الگوها، رفتارها و روابط میان ساکنان می‌توان دست یافت و داده‌های جمع‌آوری شده از کیفیت بالایی در تحقیق برخوردارند. شناسایی الگوهای فضایی و رویداد،

با نگاهی پدیدارشناسانه (Lange, 2012) از طریق کاربست پدیدارشناسی اول شخص و سوم شخص انجام پذیرفته است.

بحث و نتایج آنالیز الگوهای فضایی روستا

شناسایی الگوهای فضایی نمونه‌ی مورد مطالعه مبتنی است بر پدیدارشناسی اول شخص^۸ که در آن پژوهشگر تجربه دست‌اول خود از یک پدیده را شالوده‌ای برای بررسی ویژگی‌ها و کیفیت‌های خاص آن پدیده قرار می‌دهد (Toombs, 2001؛ پیش از شناسایی الگوهای رویداد فرایند شناسایی الگوهای فضایی صورت پذیرفت و مزیت آن بر این است که به صورت غیرواکنشی ایجاد می‌شود و بستر مناسبی برای شناخت رویدادها حاصل می‌شود.

بافت روستا درنتیجه‌ی توسعه‌ی بطئی-تدریجی، ارگانیک و با رعایت اصل بهینگی استفاده از زمین و دانش بومی شکل گرفته که درنتیجه‌ی این پویش، بافتی متعهدانه نسبت به میراث ماندگار طبیعت دارد. چیدمان مترکم با اتصال بیشینه‌ی واحدهای ساختمانی به صورت پلکانی بر روی سطح شیب‌دار در جبهه‌ی آفتاب‌گیر جنوبی، در جهت بهره‌مندی از بیشینه‌ی گرمایی در فصول سرد شکل گرفته و سطوح ساختمانی کمتری در معرض باد سرد قرار داده است و از طریق کاهش بازشو و سطوح انتقالی هوا به تعديل شرایط اقلیمی پرداخته است. در، سقف و پیش‌آمدگی بام‌ها از چوب و مصالح به کاررفته در خانه‌ها از سنگ، خشت و گل همه بوم آورده است. خانه‌ها تودرتو شامل دو بخش برای اهالی خانه و بخش دیگر مخصوص دام‌ها، طیور و انبار است که به شکلی خاص، دارای پنجره نیستند و تنها درب‌هایی کوچک دارند (تصویر شماره‌ی ۲). در این روستا کوچه به معنای عام آن وجود ندارد و بام‌ها

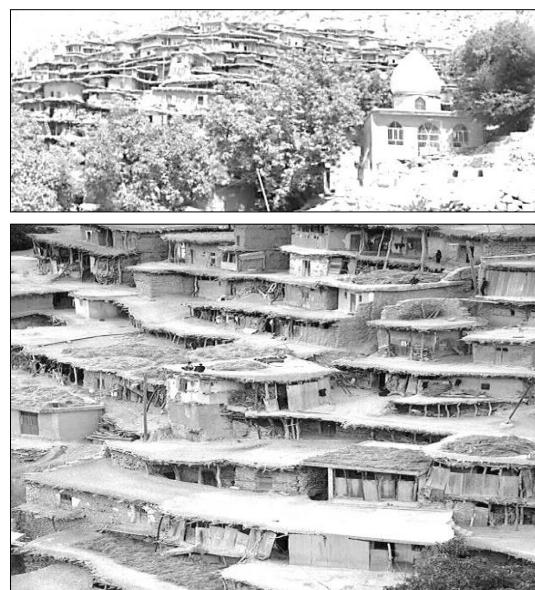
نقشه‌ای مشخص گردید. به این ترتیب که ابتدا چند الگوی پایه همچون قرارگیری در دامنه، جهت‌گیری و درون‌گرایی خانه‌ها شناسایی می‌شود. سپس الگوهای تکمیل‌کننده‌ی آن‌ها با توجه به تحلیلی که از نمونه‌ی موردنبررسی صورت می‌گیرد زنجیره‌ی الگوها را تشکیل می‌دهند (جدول شماره ۱).

الگوهای رویداد روستا

شناسایی این رویدادها مبتنی بر پدیدارشناسی سوم شخص^۹ بر مبنای توصیف‌های تجارب و موقعیت‌ها که از راه مصاحبه‌های گروهی^{۱۰} و گروه‌های کانونی^{۱۱} (Hesse- Biber & Leavy, 2010: 166) از اشخاص ثالث گرداوری شده، است (Giorgi & Giorgi, 2008; Finlay, 2011). شناخت الگوی رویدادها مستلزم ثبت رفتارها از جمله اینکه افراد در چه محدوده‌ای حرکت می‌کنند، کجا مکث می‌کنند، به کجا نگاه یا اشاره می‌کنند و چه می‌گویند و با یکدیگر چگونه تعامل می‌کنند و یا کاری مشترک انجام می‌دهند و نیز تکرارپذیری این موارد، است. سؤال از گروه‌های سه تا هشت نفره در خصوص فعالیت‌هایی است که در الگوهای فضایی روی می‌دهد. اگر تعداد افراد کم باشد ممکن است جریان آزاد بحث ایجاد نشود و اگر زیاد باشد بعضی مجال صحبت نمی‌یابند. ایجاد بستری برای شنیدن نظر همه‌ی افراد حتی کسانی که احساس کم توجهی دارند مهم است. در این شیوه از مصاحبه پژوهشگر نقش میانجی دارد (Cameron, 2000: 84).

تعداد سؤالات کم و موضوع بایستی ساده و قابل درک باشد. در این فرایند پژوهشگر به شیوه‌ی استقرایی از اطلاعات به دست آمده و شواهد موجود به تعمیم کلی می‌رسد و به درک کیفیت‌ها و ساختارهای کلی که از موقعیت‌های گوناگون نشئت می‌گیرند توجه دارد (Finaly, 2011).

به مثابه‌ی امتداد سطوح معبرها بهترین نمود فضاهای عمومی چند عملکردی‌اند. خانه‌ها شامل اتاق که در گویش محلی به آن «حونه» گفته می‌شود و انبار هیزم که اغلب در ایوان جلوی خانه‌ها در طبقه‌ی همکف و یا فضاهای چند عملکردی به عنوان انبار و مطبخ استفاده می‌شوند (تصویر شماره ۳).



ت ۱ و ۲. بافت و امامزاده روستای سرآفاسید

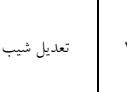
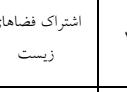
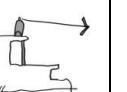
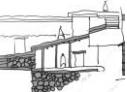
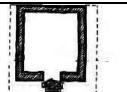
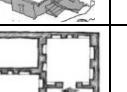
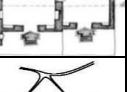
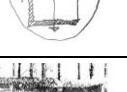
الگوی شماره ۴	الگوی شماره ۳	الگوی شماره ۲	الگوی شماره ۱	طبقه همکف

فضای اصلی (حونه) (فضای چند عملکردی) – فضای بسته
فضای عمومی (بون) (فضای چند عملکردی) – فضای باز

ت ۳. الگوی پلان حونه در روستای سر آقا سید

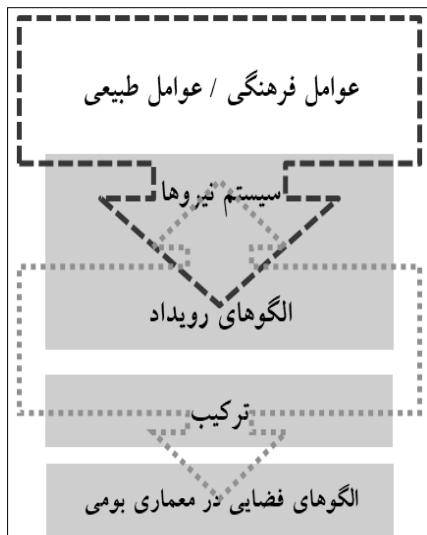
کشف الگوهای فضایی روستا با مشاهده‌ی عمیق و شناسایی مکان‌ها مبتنی بر شیوه‌ی پدیدارشناسی اول شخص آغاز گردید و اسامی و مکان الگوها بر روی

ج. شمایی از الگوهای فضایی روستا

شماره	الگوی فضایی	شماره	شمای الگو	الگوی فضایی	شماره	شمای الگو	الگوی فضایی	شماره
۱	زنگی در دامنه آفتاب گیر	۱۱		تعديل شیب	۱۱		اجاق آتش، مرکز فضای خصوصی	۲۱
۲	امتداد رود دره‌ها در داخل روستا	۱۲		فاصله میان روستا و منابع آب	۲۲		فضای خدماتی پیرامون خانه	
۳	کشاورزی در زمین مسطح و روستا در دامنه	۱۳		اشتراک فضایی زیست	۲۳		گنجه و نگهداری مواد غذایی در ضلع شمالی	
۴	هنده‌سازی بنا و یافت هر دو تابع طبیعت	۱۴		عدم وجود حیاط محصور	۲۴		دسترسی بالافصل خانه از معبر	
۵	فضای زیست مسلط بر چشم انداز	۱۵		سقف شیب دار، ارتقاه‌دهنده دو سطوح مختلف	۲۵		ابوان با ستون چوبی و پیش‌آمدگی لبه‌بام	
۶	ثبت خاک با ایجاد باغات در زمین شیب دار	۱۶		فضاهای بدون بازشو	۲۶		سقف تیر چوبی	
۷	سکوهای دسترسی به منابع آب	۱۷		حیاط-بام	۲۷		اتصال بالافصل جداری اتاق‌ها با محل نگهداری دام	
۸	پیش‌آمدگی و فروفتگی در جداره‌ها	۱۸		پارکینگ در انتهای مسیر روستا	۲۸		حدائق تزئینات و استفاده از رنگ‌های طبیعی	
۹	فضای تودرتو و نیمه‌خصوصی هر خانه	۱۹		جهت‌گیری خانه‌ها	۲۹		دیوارهای باری سگی و خشتشی	
۱۰	انعطاف‌پذیری و پیوستگی مسیر حرکت	۲۰		بوم آورد بودن مصالح ساخت	۳۰		تغییر ارتفاع کف خانه با سطح معبر	

به صورت معقول انتظار بر این است که در هر مکان رویداد شناسایی شده به وقوع بپوندد؛ و از سوی هر رویداد می‌تواند فراتر از آنچه الگوهای فضایی برای ما پیش‌بینی می‌کند جنبه‌های فرهنگی و طبیعی مؤثر را در خود هویدا سازند. برای مثال عامل طبیعی شیب دامنه، چیدمان خانه‌های روستا را به صورت پلکانی در می‌آورد و الگوی فضایی «حیاط-بام» به وجود می‌آید. به سبب در این روش ایده‌ی پژوهشگر به افراد متنقل و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و امکان بازخوردهای سازنده فراهم می‌شود (Seamon, 2000). فرایند ثبت رویدادها با این سوالات شروع می‌شود: ۱- هم‌اکنون به چه کاری مشغول هستید؟ ۲- چرا این مکان را برای انجام این کار انتخاب کرده‌اید؟ ۳- چه کسی یا کسانی با شما همکاری می‌کنند؟

روستای موردمطالعه رفتار مردم در ورودی‌ها موردنبررسی قرار گرفت و به دودسته ورودی‌هایی که خوب کار می‌کنند و آن‌ها که مشکل دارند تقسیم‌بندی شد. سپس مشخصه‌ی مشترک میان ورودی‌های خوب و آن‌ها که خوب نیستند تشخیص داده شد. این کار تا جایی پیش می‌رود که مشخصه‌ای را که الگوهای خوب دارای آن هستند و الگوهای بد فاقد آن تعیین شود. مثلاً در بافت مترالکوم و پلکانی این روستا ورودی خوب جایی است که اندازه و تناسبات درستی داشته باشد، سطح و جهت حرکت در آن عوض می‌شود، دارای پیش‌آمدگی است و در کل حد وسط دو فضاست.



ت ۴. دیاگرام شکل‌گیری الگوها بر اساس سیستم نیروها استفاده از روش بازتولید رفتار در محیط واقعی به‌نحوی که برای آشنایی از تصور افراد از فضا از آنان بخواهیم از روی نقشه یا عکس مکان رویدادی را که در آن فضا انجام می‌شود را مشخص نمایند. مطابق یافته‌ها در ستون الگوی رویداد (جدول شماره ۲) هر الگو منطبق است با یک مسئله، راه حل آن واقعی که از آن، این الگو ساخته شده است که با عنوان نمود الگو در ستون متناظر تشریح شده است.

استفاده‌ی هم‌زمان از حیاط‌بام به عنوان مسیر حرکت و به خاطر عوامل فرهنگی جداره‌های کنار حیاط‌بام که فضایی مشترک است بدون روزن ساخته می‌شود تا الگوی رویداد «زیست در فضاهای بدون روزن به وجود آید» و محرومیت خانه‌ها حفظ شود و در این حالت نقش سازه‌ای این جداره‌ها نیز پررنگ‌تر می‌شود. در این روش بعضاً توالی ترتیبی فضاهای و مکان‌ها و یا مسیری که در یک رویداد مورداستفاده قرار می‌گیرند مشخص می‌شود و به‌این ترتیب راهی برای مشخص نمودن ارتباط بین الگوهای فضایی و رویداد به وجود می‌آید.

این تحلیل‌ها با اهالی روستا در میان گذاشته شده و ارتباط میان الگوها از طریق ارتباط عملکردی، فضایی و چیدمانی مشخص شدند. با توجه به هدف پژوهش مبنی بر کسب درک عمیق رسیدن به محتوای ذهنی از نمونه‌ی موردمطالعه به جای تعمیم‌پذیری نتایج، مصاحبه با مشارکت‌کنندگان به صورت هدفمند و Martinez, (۲۰۱۲: ۹) انجام پذیرفت.

ارتباط الگوهای فضایی و رویداد

شناخت الگو یعنی شناختن مسئله و عامل ثابتی که مسئله را به درستی حل می‌کند. از این‌رو کشف الگو به معنای کشف ارتباط میان زمینه و نیروها که به‌هیچ قید و شرط بین انسان و فضا، انسان و انسان و فضا با فضا برقرارند (تصویر شماره ۴). درنتیجه بین تعادل سیستم نیروها، رفتار و احساس ما درباره‌ی الگویی که تضاد این نیروها را حل می‌کند ارتباطی ذاتی برقرار است (الکساندر، ۱۳۸۱: ۱۶۷). آنچه به الگوهای (فضایی) کشف شده اعتبار می‌دهد ارتباط آن‌ها با الگوهای رویداد و رفتار انسان است (سالینگروس، ۱۳۸۷: ۱۷).

به عنوان نمونه برای کشف الگوی ورودی در بافت

ج. ارتباط الگوهای رویداد با الگوهای فضایی در روستای سر آقا سید

ردیف	عنوان الگوی رویداد	هسته‌ی الگو (شامل: مسئله، راه حل و اصلی که الگو را ساخته است)	شماره‌ی الگوهای فضایی مرتبط
۱	حضور در فضاهای عمومی و خصوصی ***	فضاهای خصوصی با مرز ضعیف نفوذپذیرند و کیفیت زیست و امنیت آنها از دست می‌رود. این مرز با چیدمان فضایی، تغییر رفتارها از طریق تغییر کاربری‌ها، دیوارهای جدائله و پیش‌آمدگی و روزی ایجاد می‌گردد.	۸-۱۳-۲۴-۱۶
۲	زنگی در خانه‌های یک اشکوب و *	کمال سکونتگاه در این روستا در محصوریت کامل است. خانه‌های یک اشکوب تلفیق رویدادهای چون سکونت، فعالیتهای اقتصادی-معیشتی، اجتماعی-آبینی خلوت گزیدن و نگهداری دام را نیز پوشش می‌دهد. ساخت خانه‌های یک اشکوب در شبیب فرهنگی طبیعی	-۸-۲۱-۲۴-۱۶-۲۸ ۲۵-۲۶-۲۰
۳	زنگی در خانه‌های دو اشکوب *	در این بنا ایستایی و ارتباطات عمومی مهم است و اشکوب دوم بعضاً دارای ایوان است. اکثر خانه‌ها فاقد پنجره هستند و مهم‌ترین دلیل آن حفظ محرومیت و نیز جلوگیری از سرمای طافت فرسا در زمستان است (جدول شماره‌ی ۱).	-۲۰-۸-۲۱-۱۶-۲۸ ۸-۲۵-۲۶-۳۰
۴	حضور معنادار مردها وزن‌ها در مکان‌ها ***	نسبت معادلی از فضاهای و فعالیت‌ها برای هم‌می‌افراد در زندگی روستایی وجود دارد: اغلب، مزارع و باغ‌ها برای مردان و آشپزخانه، حیاط و بام‌ها برای زنان اما در عین حال در زندگی اجتماعی توازن حضور زنان و مردان در هر مقیاسی حفظ شده است و هر دو مکانی برای حضور دارند.	۱۴-۹-۱۷
۵	گره‌های فعالیتی در هم‌جا ***	ایجاد جمعی دوستانه در هر جا که امکان آن باشد، به دلیل کاری می‌شود که هم‌زمان گلخان چون باقفن گلیم، نشستشوی لباس دور روختانه، چشم‌های نمک، تغییر جلوخان یکی که هم‌زمان سقف دیگری است. این گره‌ها معمولاً با فاصله‌های مشخصی از یکدیگر تشکیل می‌گردند. فضاهای سایه‌ای در تابستان و آفتابی در زمستان مناسب این گونه فعالیت‌ها است.	۹-۱۷-۱۴-۱۳-۲۲
۶	زنگی شبانه‌ی روستا *	هر جامعه‌ای دارای نوعی زندگی شبانه است. تقریباً همه‌ی فعالیت‌ها در فضای باز در شب متوقف می‌شود و مردم به جزء حیاط و پشت‌بام خانه‌ها جایی نمی‌روند. به دلیل نوع ساختار روستا محرومیت و دید در شب محفوظ است. زندگی شبانه در سطح خوشاوندان و همسایه‌ها با جمع شدن کار هم‌شکل می‌گیرد. تراکم بالای روستا حس امنیت بالایی در شب ایجاد می‌کند.	۱۶-۲۱
۷	درجات عمومی بودن فضاهای *	معماری برون‌گرای روستا موجب تغییرات ساختاری و ظهور فضاهای عمومی می‌شمارد. فضاهای لبی خارجی روستا دنچ‌تر و ساختان آن محرومیت و خلوت پیشتر دارند. فضاهای میان این دسته و آن‌هایی که در قلب روستا به طرف بالا قرار دارند نسبتاً خلوت و فضاهایی که در قلب روستا از نیمه به پایین هستند حمومی‌ترین و شلوغ‌ترین فضاهای را دارند. خانه‌های بالای روستا ادارندها که در زیرین دنچ‌ترین سکونتگاه‌ها محسوب می‌شوند.	۱۱-۴-۱۳-۱۴-۹-۱۷
۸	استفاده از حیاط- بام ***	پیدایش این الگو حاصل بهره‌مندی از بام و نیواد حیاط محصور است که به‌تویه خود حاصل پیرور از بستر طبیعت و تبعیت از شیب زمین و رها کردن اندک زمین‌های صاف برای کشاورزی است. بام خانه‌ی پایینی به‌منزله حیاط خانه‌ی بالایی است و ارتفاع سقف خانه‌ها را به میزان شیب دامنه وابسته کرده است.	-۴-۱۳-۱۴-۹-۱۷ -۲۶-۲۵-۲۰-۵-۱۱ ۳۱
۹	زنگی در دامنه‌ی روستا ***	معماری بومی در بستر طبیعت و در همانگی با آن خلقو می‌شود. این امر می‌تواند از صرف همگانی با طبیعت به حوزه‌ی مأموراء طبیعی هم امتداد پاید. بهره‌گیری از نور جنوبی، دوری از حوزه‌ی میلیل روستا احترام به امامزاده بهنحوی که از همه‌ی نقاط امکان به دید به امامزاده و خود دارد که گذرگاهی است از جهان عرفی به جهان قدس.	۳۱-۸-۲-۵-۱۱-۶-۴
۱۰	حضور بجهه‌ها و افراد مسن *	سالماندان نیازمند تعامی با یکدیگرند و به دلیل شیب روستا در هر نقطه‌ای که امکان نشستن باشد و رویه اتفاق حضور پیدا می‌کنند. آنان که توانایی پیمودن راه را دارند نشستن و تجمع کردن در کنار امامزاده را بر همگان ترجیح می‌دهند. هندسه‌ی فضایی روستا محظوظ بازی جذابی را برای کودکان فراهم آورده است. پیچیده‌ی در همه‌ی مسیرها و مکان‌ها هستند. عرصه‌ی روستا صحنه رشد و کسب تجربه آنها است.	۵-۱۴-۹-۱۷
۱۱	بهن کردن و خشک کردن محصولات کشاورزی ***	اجتماعات کاری خود زندگی است و مرزی میان محل کار و زندگی آنها وجود ندارد. این نقاط می‌توانند در داخل خانه و پشت دار گلیم‌باقی، روی پشت‌بام و در حال بهن کردن محصولات کشاورزی و یا داخل مزارع به صورت دسته‌های انسانی دو نفر و یا بیشتر تشکیل شود. این اجتماعات به راحتی با اجتماعات خوشاوندان و همسایگان در هم می‌آمیزد.	-۲۲-۱۲-۱۴-۹-۱۷ ۳۱
۱۲	حرکت سیال در شبکه‌ی مسیر روستا	در شبکه‌ی مرتبط‌کننده مکان‌ها به یکدیگر برای حفظ دسترسی حداقلی، گاه به امکان عبور یک نفر هم بستنده شده است. شبکه‌ی یکنواخت و تند در برخی نقاط مسیر آزاده‌های است که با ایجاد پله، تریبان و یا شبیب- پله در برخی نقاط از یکنواختی آن کاسته و تنوع در مسیر ایجاد می‌کند.	-۱۴-۴-۲۹-۲۴-۱۵ ۱۰-۱۱-۸-۱۳

۳۱-۴-۵	و سیله‌ای برای انتقال و تکثیر باور دینی منحصر به فرد، باقابایت دید از همه‌جا؛ نقطه‌ی آغازین تولد روزتا. دروازه‌ای رو به عالم قدسی و جایی برای توسل جستن و راز و نیاز و محلی برای رویدادهای جمعی است. انسان بومی در انتخاب مکان زیست آزاد نیست، بلکه به دنبال یافتن آن به کمک شناخته‌های رمزی و نمادین است (الیاده، ۱۳۸۸، ۲۲).	ارتباط قلیبی با امامزاده ***	۱۳
۹-۲۲-۲۱-۱۶	فرهنگ طبیعی تولد و مرگ به عنوان چرخه‌ی آفرینش به رسمیت شناخته شده است. در هر خانه قرار است همه‌ی فرایندهای بارداری، تولد، رشد و بعادرآن در همین مکان ساده انجام گیرد. در مراسم تدفین همه‌ی اهالی در هر جای روزتا حضور دارد. حدفاصل خانه تا گورستان امامزاده سرآقاسید است که لحظه‌ای میزبان متوفی است.	تولد و مرگ	۱۴
۲۷-۲۲-۱۶	فرهنگ طبیعی حیوانات جایگاه مهمی در حیات و معاش دارند. مراتع اطراف و علوفه‌های چیده شده منبع تغذیه‌ی آنها را تشکیل می‌دهد. یکی از منابع گرمای جاریه خانه‌ها در زمستان دمای بدن همین دامها است.	زندگی با دام و طیور *	۱۵
۲۲-۱۳-۹-۱۷	فرهنگ طبیعی هرسته‌ای مانا و مستحبکم با دست کم سه نسل با وابستگی بالا که رفتن یکی از اعضاء اوضاع را بحرانی نمی‌کند. بخش‌های اشتراکی از خانه به صورت تواافقی میان آنها تعریف شده است که به صورت مشترک استفاده می‌شود؛ و مزهای نارنی در مکان‌ها به وجود آورده است. مانند محل نگهداری دام، هیزم و ...	ارتباطات خانوادگی گسترده *	۱۶
-۲۱-۹-۱۷-۴ ۲۰-۲۳-۲۲	فرهنگ طبیعی بافت متراکم روزتا ایجاب می‌کند که فضاهای کوچک و چند عملکردی باشند. بخشی از این ویژگی مرهون سادگی و بی‌آلیشی فضاهاست. حیاط سام در تابستان فضایی چند عملکردی است و در زمستان به عنوان محل تجمع برف و منابع سوت حیوانی استفاده می‌شود	استفاده از فضاهای چند عملکردی ***	۱۷
-۱۴-۳۰-۲۴-۴ -۲۵-۲۰-۲۲-۴ ۲۶	فرهنگ طبیعی محصوریت و بودن در درون کفیتی فطری است که ادراک پیرون نسبت به آن بتهی است. باوجود سادگی و رویدی‌ها، همه‌ی از احساس امنیت بالایی برخورند. زیرا تامی آنها بدون و اواسطه رویه امامزاده‌اند که مانع ورود نیروهای شیطانی به داخل می‌شود. آدایی چون خم شدن، در آوردن گفشن، رخصت گرفتن آستانه را دارای خمیدگی معناداری نموده است.	گذر از آستانه *	۱۸
۲-۱۲-۷	فرهنگ طبیعی آب ارزشمند و گران‌بها در فرهنگ ایرانی دارای تقدس است. مردم کنار آب سکنی می‌گیرند اما خانه‌ها را دور از کناره‌ی آب ساخته‌اند تا آلوهه نشود. همه‌ی این‌ها تابعی از نوع منبع آب و شرایط بوم شناختی است.	فرهنگ دسترسی به آب *	۱۹
۱۱-۱۰-۱۸	فرهنگ طبیعی سازگاری خالص و بی تکلف میان فرم روزتا و الگوهای رفتاری اهالی، موضوعی است که بیشترین جذبیت را برای گردشگران دارد که در فضول گرم مهمنان روزستانیان اند.	تعامل با گردشگران	۲۰
۶-۱-۳	فرهنگ طبیعی زمین‌های صاف محدودند و در صورت ساخت بنا در آنجا، کشاورزی غیرممکن می‌شود. بنها به دور از مسیل در دامنه احداث می‌گردند.	کشت در دره‌های کشاورزی ***	۲۱
-۱۳-۹-۱۴-۲۵ ۱۹-۱۱	فرهنگ طبیعی در فضول هنگام بارش برف سینگین در صورت امکان پارو یا در کنار مسیر بر روی یام اینشت می‌شوند. برف به مثابه‌ی عایق حرارتی یام عمل می‌نماید.	تجمع برف بر روی حیاط- بامها *	۲۲
۲۴-۱۶-۳۰	فرهنگ طبیعی تأمین محرومیت در کنار نقش سازه‌ای دیوارهای بدون پنجه منجر به الگوی فضاهای بدون بازشو شده است.	زیست در فضاهای بدون پنجه *	۲۳
۴-۲۰-۲۱	فرهنگ طبیعی پشته‌های چوب چنگلکی از طبیعت اطراف روزتا توسط زنان و مردان به روزتا حمل می‌شود. اجاق جزء اصلی خانه است، هم مطبخ و هم منبع گرم در فضول سرد. اینبار کردن هیزم و خشکشکردن فضولات حیوانی برای سوتخت	استفاده از اجاق چوبی	۲۴

مطابق اطلاعات به دست آمده از جدول شماره‌ی ۲، به عوامل طبیعی و فرهنگ را دارا بودند.

در الگوهای رویداد نمود عینی فرهنگ و بستر طبیعی است به نحوی که ارتباط ذاتی با الگوهای فضایی دارد و هندسه‌ی ارتباط‌دهنده‌ی آن‌ها بسیار منعطف و زنده است.

در این جدول الگوهای دوستاره صحیح‌تر، عمیق‌تر و مطمئن‌تر هستند و در مصاحبه‌ها بیشتر مورداشارة و توافق قرار گرفتند. این دسته از الگوها پاسخ شفاف‌تری درین جا دارند.

نتیجه

حل مسئله‌ی تکرارشونده ارائه شود اما یافتن راه حل صحیح به صورت کامل تحقیق نیافته است. به طور کلی می‌توان گفت اعتبار تک‌تک الگوهای رویداد که در الگوهای فضایی خاص خودشان به وقوع می‌پیوندند از طریق تکرار پذیری‌شان در طول زمان به دست آمده است. مسلماً الگوهای دیگری نیز وجود دارد که نیازمند تحقیقات بیشتری در این زمینه هست.

پی‌نوشت

1. ult Vernacular Heritage
2. mos Rappaport
3. heory, Culture and Heritage
4. ulture, Architecture, Design
5. aul Oliver
6. ewis Mumford
7. iddens
8. First person phenomenological research
9. Third person phenomenological research
10. Group interviews
11. Focus group
12. heoretical saturation
13. ata saturation

فهرست منابع

- لکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۷)، زبان الگو: شهرها، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
- اویسی کیخا، زهره. (۱۳۹۲)، برهم‌کنش عوامل اقلیمی و اجتماعی در شکل‌گیری فضاهای باز و بسته‌ی سکونتگاه‌های بومی روسیای ایران، رساله‌ی دکتری، راهنمای دکتر علی‌اکبر تقواوی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- الیاده، میرچا. (۱۳۸۸)، مقدس و نامقدس ترجمه‌ی بهزاد سالکی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- بهار، مهری. (۱۳۸۶)، مطالعات فرهنگی؛ اصول و مبانی. تهران؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- پورافکاری، نصرالله؛ محمد یارزاده، سجاد. (۱۳۹۲)، نقش فرهنگ سازی احترام به افکار عمومی در توسعه‌ی اجتماعی، مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۴، ۱۱۵-۱۲۰.
- خاکپور، مژگان؛ شیخ مهدی، علی. (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روسیایی گیلان، مدیریت شهری، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۸، ۲۲۹-۲۴۵.
- راپاپورت، آموس. (۱۳۸۲)، ابداع معماری؛ از غار تا شهر. آبادی ۸۳۹.
- راپاپورت، آموس. (۱۳۸۸)، انسان‌شناسی مسکن، ترجمه‌ی خسرو افضلیان، حرفه هنرمند، تهران.

همان‌طور که در نمونه‌ی مورد مطالعه بررسی گردید، الگوهای رویداد «ریشه‌ی اصلی» و بعد پنهان انواع الگوهای فضایی معماری بومی است که به‌نوبه‌ی خود پاسخی به مجموعه‌ای از تأثیرات فرهنگی و طبیعی هستند. از سویی می‌توان با شناخت ارتباطات فضایی و الگوهای فضایی، روابط اجتماعی و الگوهای رویداد را بازشناخت. می‌توان گفت، عوامل فرهنگی روح حاکم بر همه‌ی الگوهای فضایی و الگوهای رویداد را تشکیل می‌دهد. با این زمینه‌ی فکری است که الگوهای فضایی متأثر از الگوهای رویداد و آن نیز متأثر از فرهنگ و طبیعت و درنتیجه معماری بومی به‌مثابه‌ی نمود فرهنگی نگریسته می‌شود. و انتظام فضاهای روابط اجتماعی افراد را نشان می‌دهد. این الگوها به عنوان یک نمود فرهنگی در جغرافیایی خاص، باعث پیوند مردمان با گذشته و آینده می‌شوند. تضمین زندگی و بقاء آن و تشابهش با دیگری بستگی به این الگوها دارد و تکامل و استحکام آن و استمرار آن را عملی می‌نماید.

تأثیرات اقلیم و طبیعت را بر فرهنگ نمی‌توان از نظر دور داشت و باید عنوان نمود که عوامل طبیعی در بلندمدت خود به عوامل فرهنگی تبدیل می‌شوند که پرداختن به این موضوع مجالی دیگر را می‌طلبد. در پایان باید گفت این پژوهش به عنوان گامی در فرآیند تحلیل الگو مدار معماری بومی تلاشی است تا

- معماریان، غلامحسین؛ طبرسی، محمدعلی. (۱۳۹۲)، گونه و گونه‌شناسی معماری، انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره‌ی ۶، ۱۱۴-۱۰۳.
- نقوی، محمدرضا؛ پایدار، ابوذر؛ محمودی، سمیرا (۱۳۹۲). نقش مدرنیته در تغییرات فرهنگی مناطق روستایی با استفاده از مدل تشابه به حد ایدئال (TOPSIS) نمونه موردی: دهستان شهدابه شهر، برنامه‌ریزی و آمایش فضایی، شماره‌ی ۱۷، ۱۲۷-۱۰۵.
- نورمحمدی، سوسن. (۱۳۸۸)، درک سرشت فضای معماری با تأمل در تشابه فضا در سکونتگاه‌های بومی، رساله‌ی دکتری معماری، دانشکده‌ی معماری، پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران.
- وثوقی، منصور؛ حبیبی، سونا. (۱۳۹۳)، دانش بومی، گامی به سوی بومی سازی توسعه‌ی روستایی و توانمندسازی روستائیان مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۴، ۹-۲۶.
- همایون، غلامعلی. (۱۳۵۶)، روستای کندوان، مجله‌ی بررسی‌های تاریخی، شماره‌ی ۱، ۲۱۱-۱۵۵.
- Alexander, C (2002)(a), The Nature of Order: An Essay on the Art of Building and the Nature of Universe, V.2 The Process Creating Life, Center for Environmental Structure, USA.
- Bulut, Yahya, and Omer Atabaygolu. (2007), fountains as urban furniture in historical urban structure and usage culture: Erzurum city case. Building and environment 42:7.
- Cameron, j, (2000). Focusing on the focus group. In I. (Ed), Qualitative research methods in human geography (pp.83-102). Oxford, UK: Oxford University Press.
- Creswell, J. W. (2007). Qualitative inquiry& Research Design. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Dezuari, Edgard.2010. Social change and transformations in housing. ISSJ, UNESCO 2010 197-198:10.
- Erpi, Feyyaz. (1991), community Culture and its Reflection on Vernacular Architecture – Three Case Studies: Turkish, Greek and Levantine Housing in Anatolia. Arch. & Comport. / Arch. Behave. 7(3):18.
- Finaly, L. (2011). Phenomenology Of therapist, London, UK: Wiley-Blackwell.
- Giorgi, A., & Giorgi, B (2008). Phenomenology. In J. A. Smith (Ed), Qualitative psychology (PP. 50-82). Oxford, UK: Oxford University Press.
- Groat, L. N., & Wang, D. (2013). Architectural research methods (2nd ed.). New York, NY: Wiley.
- جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- زبردست، اسفندیار؛ مقیسه، مطهره. (۱۳۹۸). تحلیل روابط روستا- شهری در توسعه‌ی منطقه‌ای (نمونه‌ی مورد مطالعه: مجموعه‌ی شهری مشهد)، مطالعات شهری، دوره‌ی ۸ شماره‌ی ۳۰، ۹۶-۸۵.
- زرگر، اکبر، سرتیپی پور محسن، میری سیدحسن مشیخ طاهری حامد. (۱۳۹۶)، طراحی و شکل‌گیری خانه‌ی روستایی به روایت معماران قدیمی (مطالعه‌ی موردی: روستاهای شهرستان گرمسار)، مسکن و محیط روستا، دوره‌ی ۳۶ شماره‌ی ۱، ۱۵۸-۲۰.
- سالینگروس، نیکلاس. (۱۳۸۷)، «ساختار زبان الگو»، ترجمه‌ی عیید زرینمهر، فصلنامه‌ی تحقیقات معماری، جلد چهارم.
- شمس، مجید؛ امینی، نصیره. (۱۳۸۸)، ارزیابی شاخص فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در توسعه‌ی گردشگری، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۴، ۹۳-۸۱.
- شریف، حمیدرضا. (۱۳۹۵)، مسئله‌یابی و مسئله‌گشایی در فرایند طراحی روستا، مسکن و محیط روستا، شماره‌ی ۱۵۴ دوره‌ی ۳۵، ۴۰-۲۹.
- عسکری خانقاہ، اصغر، کمالی، محمد شریف. (۱۳۸۷)، انسان‌شناسی عمومی. چاپ پنجم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- علی‌الحسابی، مهران؛ نگارش، نفیسه. (۱۳۸۹)، تجلی فضای جمعی در سکونتگاه‌های روستایی، مسکن و محیط روستا، دوره‌ی ۲۹، شماره‌ی ۱۳۲، ۳۸-۲۹.
- قلی پور، محسن؛ فکوهی، ناصر. (۱۳۹۸)، بررسی وضعیت خانه و قلمرو و تغییرات آن در روستاهای کاکاوند (مورد پژوهشی: روستای زورام)، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۱، ۱۵۶-۱۳۵.
- کرویی، مهدی؛ بذرافشان، شیما. (۱۳۹۴)، توسعه‌ی گردشگری و تغییر الگوهای فرهنگی در نواحی روستایی، تحقیقات فرهنگی ایران، تابستان ۱۳۹۴، ۹۴-۷۳.
- گروت، لیندا. (۱۳۸۸)، روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه‌ی علیرضا عینی فر، دانشگاه تهران، تهران.

- Hesse-Biber, S N., &Leavy, P. (2010). Focus group interview. In S. N. Hesse- Biber & P. Leavy (Eds), the practice of qualitative research (2nd ed., pp 163-175). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Lange, A. (2012). Writing about Architecture: Mastering the Language of Buildings and Cities. Princeton: Princeton Architectural Press.
- Ozdemir, Ilkay Masat, and Asu Besgen Gencosmanoglu, 2007. Metamorphism in culture and housing design: turkey as an example. Building and environment 42:8.
- Rapaport, Amos, 2000. Theory, Culture and Housing. Housing, Theory and Society, 17(4):21.
- Rapaport, Amos, 2003, Culture, Architecture and Design, Barcelona: Copisternia Miracle S.A.
- Rapaport, Amos, 2008, Some Further Thoughts on Culture and Environment. International journal of Architectural Research, 2 (1):24.
- Seamon, D. (2000). Phenomenology in environment – behavior research. In S. wapner, J. Demick, T. Yamamoto, &H. Minami (Eds), Theoretical perspective in environment behavior research (pp. 157-178). New York, NY: Plenum.
- Toombs, S. K (2001). Reflections on bodily change. In s. k. Toombs (Ed.), Handbook of Phenomenology and illness (pp.247-262), Dordrecht, Netherlands: Kluwer.
- Van Manen, M (2014). The Phenomenology of practice. Walnut Creek, CA: Left Coast Press. Werts, F. J., Charmaz, K., McMullen, L. M., Josselson, R, McSpadden, E., &Anderson, R.

<http://doi.org/10.22034/41.177.15>